



کهن نامه

ویژه نامه داخلی خانه کودک، اندیشه و میراث فرهنگی (حکام)

ماه نامه علمی - فرهنگی ویژه نوجوانان، سال یکم، شماره ۷ اردیبهشت ۱۳۸۶

سردبیر: لیلا زارع کاریزی - ویراستاران این شماره: آزاده درخشان و حمیدرضا منصوریان - طراح

لوگو: عماد احمدی - عکاسان این شماره: علی روستایان فرد، ندا حسین طهرانی و ح. ر. منصوریان

در این شماره، افزون بر نوشته‌هایی برای شما کودکان و نوجوانان عزیز، نوشته‌های دیگری نیز وجود دارد. این نوشته‌ها گزارش‌های علمی حکام در هفته میراث فرهنگی در شهر ایزده است. خواندن این بخشها اگرچه کمی دشوار به نظر می‌رسد، اما خالی از فایده نیست. مطالعه این بخشها را به والدین مشترکانمان پیشنهاد می‌کنیم. نیم‌ویژه نامه هفته میراث فرهنگی در ایزده. (۲۸ اردیبهشت تا ۳ خرداد ۱۳۸۶)

تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم

تابستان گرمی بود و روز به روز به گرمی هوا افزوده می‌شد. سپاه، توان خود را برای ادامه نبرد از دست داده بود و محاصره شهر نیز خود به بدتر شدن شرایط دامن می‌زد، تمامی این دشواریها به همراه کمبود غذا، شرایط را برای همه طاقت‌فرسا کرده بود، زنان و کودکان تاب‌وتوان خود را از دست داده بودند و در هر کوی و برزن صدای ناله و مویه آنان در غم از دست دادن عزیزانشان شنیده می‌شد. دیگر هیچ کس را یارای مقاومت نبود، نه صبری مانده بود و نه امیدی.

درست است، این خاطره جنگ ایرانیان در روزگار پادشاهی منوچهر با افراسیاب تورانی است. زمانی که طبرستان به دست تورانیان محاصره شد و شکست ایرانیان روز به روز قطعی‌تر می‌گشت. سپاه ایرانی به تنگنا افتاده بود و هیچ راه گریزی نمی‌یافت. سرانجام سران سپاه برآن شدند که طی نشستی، تصمیمات جدیدی اتخاذ کنند. پیشنهادهای بسیاری مطرح شد. در این میان یکی از سران، مسأله صلح میان دو سپاه را مطرح ساخت که معقول‌ترین و منطقی‌ترین راه برای رهایی از شرایط به نظر می‌رسید؛ ولی در عین حال، ترس از عدم پذیرش این پیشنهاد از طرف تورانیان، ایرانیان را به فکر فرو برد. ایرانیان سرانجام برآن شدند که این فکر را عملی کرده و با توجه به نتیجه، تصمیم‌های جدیدی بگیرند. پس از مطرح شدن این پیشنهاد، سران سپاه مقابل نیز به این نتیجه رسیدند که این امر به سود آنان نیز می‌باشد. اما برای حل کامل اختلاف میان دو سپاه، لازم بود که مرز میان دو کشور تعیین گردد؛ بنابراین قرار شد که از دماوند تیری به سوی خاور پرتاب شود و هر جا تیر فرود آمد همانجا مرز دو کشور باشد و هیچ یک از دو طرف از آن مرز فراتر نروند. پذیرش چنین پیشنهادی برای سپاه ایران سخت بود اما از سوی دیگر شرایط برای مردم و سپاه مستقر در ایران سخت‌تر؛ بنابراین سپاه ایران باید به این قضیه تن در می‌داد. اشتباهی کوچک در این میان می‌توانست سرنوشت مردم ایران را به گونه‌ای دیگر رقم زند.

با پخش این خبر، ولوله و هیاهو در میان مردم بالا گرفت. یکی می‌گفت: «اگر تیر در همین نزدیکی فرود آید، چه‌ها می‌شود و دیگری ناامید از وجود بازویی فولادین که بتواند امید دل مردم را روشنی بخشد». در این میان پیرمردی هم با حسرت، آرزو می‌کرد که ای کاش جوان بود و... مادران دست به دعا بودند و کودکانی با نگرانی می‌گفت: «پروردگارا اگر تیر در همین نزدیکی فرود آید، بادیادکم را دیگر نمی‌توانم تا هر کجا که می‌خواهم بفرستم».

در این حین، در میان تمامی نگرانی‌ها و گفت‌وگوها، بزرگ‌مرد دلیری، داوطلب پرتاب تیر شد. او بزرگترین کماندار ایرانی بود و به سبب نیروی بی‌مانندش، توانایی پرتاب تیر به دورترین فاصله را داشت. او خوب می‌دانست که در این راه، ملتی چشم امیدشان به اوست و دعایشان بدرقه راهش؛ و این امر خود بیش از پیش به او نیرو

می‌بخشید و او را مصمم می‌ساخت. در این میان، فرشته زمین، اسفندارمذ، پدیدار شد و فرمان داد تا تیر و کمان را آورند و به آرش دادند. آرش می‌دانست که باید تملعی توان خود را به کار بندد و هستی خود را در چلّه کمان گذارد، تیر و کمان را برداشت



و به سوی دماوند، راه افتاد. هر گام که به قلّه نزدیک‌تر می‌شد، نفس‌های بیشتری در سینه حبس می‌گشت، چشمها نگران به سویش و لبها دعا گویش.

هنگامی که به نوک قلّه رسید، گفت: «دروغ ای واپسین پگاه، این آخرین دیدار من با تو خواهد بود و به قداست نور و بامداد راستین، سوگند یاد می‌کنم که جان خود را برای وطنم در تیر خواهم کرد». آرش می‌دانست که پهنای

سرزمین ایران به نیروی بازوی او بسته است. سپس برهنه شد و بدن خود را به شاهنشاه و سپاهیان نشان داد و گفت: «ای یاران من، بر قامت بنگرید و ببینید که من تندرستم و تنم از هر ایرادی پاک است، اما هنگامی که تیر را از کمان رها کنم، تمامی نیرو و جانم از بدنم رها شده و جانم فدای سرزمینم ایران خواهد شد».

او تیر و کمانش را برداشت و با تمام وجود تیر را رها کرد. پس از رهایی کامل تیر از کمان، پیکر بی‌جان آرش بر زمین افتاد. فرشته باد از تیر نگهبانی کرد تا تیر پس از طی کردن مسیری طولانی، از بامداد تا نیمروز، در مرو^۳ در کنار بزرگترین درخت گردوی گیتی فرود آمد و آنجا مرز ایران و توران گشت و این منتهای آرزوی هر ایرانی بود؛ بنابراین به مناسبت این پیروزی، هر ساله ایرانیان در این روز جشنی^۴ برپا کردند.^۵

۳. مکان فرود تیر در منابع گوناگون متفاوت است.

۴. در برخی از منابع، ذکر شده که جشن تیرگان که در میان ایرانیان باستان معمول بود، از اینجا پدید آمده است.

۵. منابع گزیده: ۱- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، ۲- بارشاطر، احسان، داستانهای ایران باستان، ۳- فرهنگنامه کودکان و نوجوانان (ج ۱)، ذیل واژه آرش، ۴- کسرائی، سیاوش، آرش کمانگیر.

۱. در مکان پرتاب تیر در منابع گوناگون اختلاف نظر وجود دارد، ولی همه به یک محدوده جغرافیایی اشاره دارند.

۲. به سبب مهارت او در تیر اندازی او را کمانگیر نامیده‌اند.

پیشینه طرح کودکان و نوجوانان آیپیر ندا حسین طهرانی

مرکز کودکان آیپیر در نوروز سال ۱۳۸۱ در پایگاه میراث فرهنگی ایذه کار خود را آغاز کرد. با اهدافی آموزشی مبنی بر:

- ۱- ایجاد خلاقیت در ذهن کودکان و نوجوانان.
- ۲- آشنایی آنها با آثار باستانی، به ویژه آثار باستانی منطقه خودشان، به ویژه کودکان بومی منطقه مانند چوپانان و کودکانی که در کنار کارهای روزمره خود به نزدیکی جایگاه‌های باستانی نیز می‌آمدند.

در این سال پرسشنامه‌هایی تهیه شده بود که پس از بازدید کودکان از جایگاه‌های باستانی مانند کول فرح، اشکفت سلمان و تاق تویله در اختیار کودکان گذاشته می‌شد. آنها می‌توانستند آموخته‌های خود را به وسیله این پرسشنامه‌ها محک زده و نظرهای خود را در این پرسشنامه‌ها انتقال دهند. همچنین از کودکان بومی خواسته می‌شد تا پس از پایان توضیح‌های راهنمایان، هر چه از گفته‌های آنها را به خاطر دارند نقاشی کنند. جالب این که بیشتر آنها علاقه‌مند به نقاشی از نگارنده‌ها بودند.

در نوروز سال ۱۳۸۲ تاق تویله به عنوان مرکز کودکان آیپیر انتخاب و کار با کودکان با برنامه‌ریزی دقیق‌تری در این جایگاه باستانی آغاز شد. از پیش، وسایل آموزشی چندی برای برپایی کارگاه‌ها فراهم آمد؛ وسایلی همچون: وسایل ساخت کاردستی، وسایل نقاشی، جورچین، نوارهای قصه، خمیر بازی، بازیهای فکری و کتاب در زمینه‌های گوناگون. در همین مکان، کلاسهای آموزشی چندی نیز برپا شد که هدف اصلی این کلاسها، آشنایی کودکان با آثار تاریخی و ضررهای تخریب آنها بود.

در سال ۱۳۸۳ بخش کودکان آیپیر به شکلی جدی‌تر، کار خود را آغاز کرد و به تعدادی از راهنمایان برای کار در این بخش، آموزش داده شد و کلاسهایی نیز در زمینه آموزش به کودکان در راستای اهداف میراث فرهنگی، دایر گردید؛ مهم‌ترین فعالیت‌های این دوره شامل موارد زیر می‌شدند:



- ۱- فعال کردن کتابخانه مرکز کودکان آیپیر به گونه‌ای گسترده‌تر در جایگاه باستانی تاق تویله.

۲- نگارش دفترچه‌های راهنمای آثار برای کودکان؛ شامل جایگاه‌های باستانی کول فرح، اشکفت سلمان و تاق تویله. این کتابچه‌ها در حین بازدید در اختیار کودکان قرار داده می‌شد تا در پایان بازدید، کودکان آموخته‌های خود را ارزیابی کنند.

- ۳- برنامه بازدید هدفمند از آثار تاریخی منطقه برای کودکان بومی.

۴- برگزاری نمایش عروسکی در جایگاه باستانی تاق تویله.

۵- برگزاری کلاس‌هایی همچون: نقاشی، کاردستی، سفالگری و کتاب‌خوانی.

۶- بازیهای گوناگون شامل:

آ. بازیهای محلی.

ب. بازیهای سرگرم کننده عمومی و گروهی مانند: فوتبال، طناب‌بازی، هفت سنگ و...

پ. بازیهای فکری و سرگرم کننده همچون: شطرنج، منج، تانگو و...

ت. جورچین‌ها مانند: جورچین ایران و جهان و...

ث. خمیر بازی.

برای کودکان فعال نیز جوایز کوچکی تهیه شده بود.



خکام و مخاطب‌سنجی در ایذه (از دیدگاه روان‌شناسی رشد و بر پایه اهداف مورد نظر گروه) آزاده درخشان - حمیدرضا منصوریان

مقوله رشد از جمله مقوله‌های میان‌رشته‌ای است که از ترکیب تلاشهای افراد در حوزه‌های مطالعاتی گوناگون به دست آمده است. امروز، مطالعه روند رشد به صورت کاربردی بیش از پیش مورد توجه محققان قرار گرفته است. این مطالعات در برنامه‌ریزی‌های کلان و درازمدت و نیز در انتخاب نیروی انسانی مورد نیاز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ به گونه‌ای که در بیشتر دوره‌های کاری - کاربردی از وجود روان‌شناسان رشد بهره‌های فراوان می‌برند.

خانه کودک، اندیشه و میراث فرهنگی (خکام) با رویکردی آموزشی و پژوهشی، مهمترین هدف خود را پرورش اندیشه کودکان و نوجوانان با بهره‌جویی از یادگارهای فرهنگی و طبیعی می‌داند. این هدف کلان جز در سایه شناخت درست مخاطبان تحقق نمی‌یابد. مخاطبان مورد نظر ما از کودکان و نوجوانان هستند با این دشواری که این مخاطبان در سرتاسر ایران از ویژگیهای متفاوتی نسبت به یکدیگر برخوردارند؛ بنابراین لازم است در هر منطقه‌ای، فراخور مردم آن منطقه و ارزشها و هنجارهای رایج در میان آنان به مخاطب‌سنجی دست زد برای مخاطب‌سنجی در هر منطقه‌ای می‌بایست، به محدوده مکانی، محدوده زمانی و هدفهای دوره کاری نظر داشت. این عامل‌ها تعیین کننده محتوای برنامه‌ها و روشهای کار هستند.

خکام در شهر ایذه، در هفته میراث فرهنگی (۲۸ اردیبهشت تا ۳ خرداد) و بر پایه اهداف بلندمدت زیر به فعالیت برای مخاطب مورد نظر خود پرداخت:

۱- درونی کردن فرهنگ و نگرش فرهنگی و نیز ایجاد زمینه شناخت میراث فرهنگی در میان کودکان و نوجوانان و در نهایت زمینه‌سازی برای احراز هویت ملی با شناخت میراث فرهنگی و طبیعی.

۲- محور قرار دادن میراث فرهنگی در جهت رشد خلاقیت و ایجاد توانایی‌های مختلف اعم از جسمی - حرکتی، ذهنی - ادراکی، عاطفی و اجتماعی در کودکان و نوجوانان و کمک به شکوفایی توانمندیهای ایشان.

۳- زمینه‌سازی به منظور نگهداری از یادگارهای فرهنگی و یادمانهای طبیعی و احترام گذاشتن به آنها.

۴- ایجاد روحیه احترام به نگرشها، فرهنگها، ملل، مذاهبها، قومیتها و انسانیت در میان کودکان و نوجوانان.

۵- زمینه‌سازی به منظور ایجاد همفکری، همراهی و همکاری برای پیوستن به جامعه جهانی با پاسداشت ارزشهای ملی و فرهنگی.

اهداف خرد خکام نیز در این دوره کاری عبارت بودند از:

۱- شناخت مخاطبان مورد نظر از دیدگاه روان‌شناسی رشد بر پایه شناخت جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی.

۲- ایجاد علاقه کردن در میان مخاطبان مورد نظر و جذب کردن آنها به پهنه میراث فرهنگی.

۳- برپایی مرکز کودکان و نوجوانان آياپير با اهدافی چون متمرکز کردن فعالیتهای مرکز و ادامه‌دار کردن این فعالیتهای در طول سال.

۴- تجهیز مرکز به وسایل گوناگون برای ارائه خدماتی در راستای رسیدن به اهداف پیش گفته.

۵- پرورش نیروهای بومی در کنار نیروهای مهمان برای ادامه دادن به این حرکت.

مخاطبان ویژه در ایذه (حاشیه‌ای - طایفه‌ای):

محیط خانوادگی و محیط اجتماعی: اگر عامل وراثت را عاملی درونی در فرایند رشد بیندازیم، عامل محیط، کاملاً خارجی است. در این جا، محیط را می‌توان به دو



قسمت خانوادگی و اجتماعی تقسیم کرد. در این نوشتار ابتدا محیط خانوادگی، سپس اقتصاد و در نهایت محیط اجتماعی را مطالعه خواهیم کرد.

محیط خانوادگی: خانواده نخستین جا و نهادی است که انسان در آن قرار گرفته، تحت تأثیر آن شکل می‌گیرد. فرد در خانه متولد می‌شود، غذا می‌خورد، یاد می‌گیرد راه برود، حرف بزند، مهر بورزد و ... کودکان اصل‌های سه‌گانه نظم، انضباط و نظافت را در خانواده فرا می‌گیرند، اصولی که بعدها، بنیان زندگی‌شان بر آن استوار می‌گردد. خانه جایی است که فرد یاد می‌گیرد که چگونه زندگی کند.

بسیاری از ویژگی‌های خانوادگی، به افراد آن خانواده به ویژه در سنین پایین منتقل می‌شوند؛ والدین آرام و صبور، کودکان آرام و صبور دارند و والدین عصبی و پریشان، کودکان عصبی و سرکش؛ این تأثیرات مستقیم هستند. گاه در خانواده، تأثیرپذیری به صورت غیرمستقیم و از طریق افراد دیگر یا شخص ثالث است؛ برای نمونه گاه بچه‌ها از پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و یا دوستان خانوادگی تأثیر زیادی می‌پذیرند.

در ایذه از دیدگاه خانوادگی در محدوده جایگاه تاریخی تاق‌تویله می‌توان چندین دسته را تشخیص داد:

۱- بخشی از خانواده‌ها که از روستاها به این محدوده شهری آمده‌اند؛ این گروه از تعداد قابل توجهی برخوردارند.

۲- بخشی از خانواده‌ها که با توجه به درآمد خانوادگی و یا محل خانه خود در این محدوده زندگی می‌کنند؛ بیشتر این خانواده‌ها از نظر درآمدی، جزء طبقات کم درآمد به شمار می‌روند.

۳- بخشی از خانواده‌ها که از جمله خانواده‌های کوچرو بوده‌اند و پس از تصمیم به یکجانشینی، بدین منطقه روی آورده‌اند.

از دیدگاه قومی، بیشتر این مخاطبان بختیاری هستند اما به لحاظ طایفه‌ای و تیره‌ای با یکدیگر متفاوتند. این تفاوتها سبب به وجود آمدن گوناگونی‌های بی‌شمار فرهنگی و خانوادگی در این محدوده از شهر شده است. این تنوع و گونه‌گونیه‌ها، شرایط ویژه‌ای را پیش پای گروه کاری حکام قرار داد؛ به گونه‌ای که گروه در طول مدت اجرای برنامه‌های خود با کودکان و نوجوانان زیادی رودررو قرار گرفت که در شرایط فرهنگی و خانوادگی متفاوتی از یکدیگر رشد یافته بودند و این امر سبب می‌شد که در آموزشها اختلالاتی پیش آید. بر اینها، درگیرهای بی‌شمار بچه‌ها را نیز باید افزود.

اقتصاد: این عامل از پیش از تولد انسان، تأثیر خود را بر رشد، در وجوه مختلف می‌گذارد. این عامل در شکل‌دهی به شخصیت فرد در طول مدت زندگی، بسیار مؤثر است. در خانواده‌های فقیر، عمده فعالیت والدین در جهت بر طرف کردن نیازهای مادی است، نیازهایی همچون خوردن (تغذیه)، سرپناه (خانه) و ... و بیشتر وقت والدین، صرف تهیه و به دست آوردن این موارد می‌شود. حال در خانواده‌های مرفه، یا به نسبت مرفه، فرصت بیشتری جهت انجام وظایف پدری یا مادری یا به اصطلاح پدری کردن و مادری کردن وجود دارد. صحبت کردن والدین با بچه‌ها، آزادی عمل دادن به آنها و فراهم کردن امکانات در حد متوسط به رشد شخصیت کودکان کمک بسیاری می‌کند.

جامعه مورد مطالعه ما از دیدگاه اقتصادی به چند بخش تقسیم می‌شد:

۱- دسته‌ای که از نظر اقتصادی در شرایط ضعیفی قرار داشتند (فرزندان قشر کم درآمد):

این دسته بیشترین تعداد مخاطبان ما را در بر می‌گرفتند. والدین این دسته بیشتر شامل بی‌کاران، کارگران فصلی، از کارافتادگان و یا خانواده‌های تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی یا بهزیستی می‌باشند. مخارج برخی از این خانوارها نیز توسط فرزندان بزرگتر خانواده تأمین می‌شود.

ضعف اقتصادی خانواده‌های این دسته از مخاطبان، بر جنبه‌های مختلفی از رشد آنان تأثیر گذاشته است؛ تأثیراتی که می‌توان آنها را به صورت زیر خلاصه کرد:



۱- بر رشد جسمانی و ذهنی: تغذیه نامناسب این خانواده‌ها سبب شده است که بسیاری از بچه‌های این منطقه از توانایی‌های جسمانی متناسب با سن خود برخوردار نباشند. این امر در میان دختران بیش از پسران دیده می‌شود. اگر چه تحقیقات و آزمایشهای هوشیهر (IQ) در این محدوده نشان از هوش متوسط یا رو به بالای کودکان و نوجوانان منطقه دارد اما در میان کودکان این محدوده می‌توان افرادی را دید که به دلایل گوناگون از نظر ژنتیکی دچار اختلالاتی هستند. کودکانی که در این دسته به سر می‌برند نسبت به همسالان خود از توانایی‌ها و مهارتهای کمتری در زمینه‌های گوناگون برخوردارند. بخشی از این اختلالات به عدم آموزش والدین، ازدواجهای متعدد خانوادگی و کم‌سواد خانوادها باز می‌گردد و به ناچار باید گفت که بیشتر این اختلالات ریشه در ضعف اقتصادی خانواده‌های این محدوده شهری دارند.



روح بچه‌ها، تعلیم آداب زندگی، رقابت و مبارزه سالم و از همه مهمتر، شادابی و سرزندگی آن‌ها مؤثرند. در دوره کاری ما، بازیهای فکری - تدبیری، بازیهای گروهی و مسابقه و بازیهای فراگیر و دسته‌جمعی بین کوچکتها و بزرگترها اجرا شد که برای نمونه می‌توان بازیهای وسطی، آموزشجیراف و انگشتر را برای دختران و بازیهای وسطی، فوتبال و طناب‌کشی را برای پسران ذکر کرد. همچنین بچه‌ها در این فرصت ما را با بازیهای محلی خود چون تل‌تل قارچ، تپ‌تپ گروسک و چوب‌بازی آشنا کردند. در کنار این بازیها، بازیهای فکری متعددی نیز همچون امواج جورچین‌ها، تالگو و پازلها با محتوای آموزشی وجود داشت که بچه‌ها با یاری مربیان خود از آنها بهره می‌بردند.

برپایی کتابخانه مرکز کودکان: هیچ تردیدی وجود ندارد که کتاب خوب و متناسب با سن کودکان و نوجوانان چه تأثیر شگرفی بر ذهن و روح آنها دارد. کتابخانه مرکز کودکان آیپیر با رویکرد تقویت کتاب‌خوانی در این محدوده از شهر و به‌صورت ویژه برای مخاطب کودک و نوجوان، راه‌اندازی شد. بیشتر کتابهای این کتابخانه را کتابهای داستانی و نیز علمی در بر می‌گیرند. استقبال خوب بچه‌ها، ما را برای رشد این کتابخانه، امیدوارتر از پیش ساخت.

قصه‌خوانی: بهره‌جویی از فضای ساده و خیال‌انگیز قصه‌ها و داستانها راه دیگری است برای جذب مخاطبان. قصه‌های خیال‌انگیز در این میان، نقش قابل توجهی دارند.



منابع گزیده:

- ۱- برک، لورای، روان‌شناسی رشد (ج ۱)، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۱.
- ۲- شماری‌نژاد، علی اکبر، روان‌شناسی رشد، تهران: نشر اطلاعات، ۱۳۷۳.
- ۳- ماسن، پاول هنری، رشد شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
- ۴- منصوریان، حمیدرضا، سهم باستان‌شناسی در پرورش فکری کودکان و نوجوانان (سنین بین ۱۰ تا ۱۵ سالگی) به همراه سنجش این آموزشها، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- اساسنامه خانه کودک، اندیشه و میراث فرهنگی (حکام)، تهران: ۱۳۸۵.

پ. بر بهداشت و پوشش: کودکان و نوجوانانی که در این دسته قرار دارند، نسبت به همسالان خود در شرایط بهداشتی مناسبی قرار ندارند. بسیاری از آنها تجربه بیماریهای خطرناک و مسری را داشته‌اند.

همچنین از لحاظ پوششی نیز این بچه‌ها از وضعیت خوبی برخوردار نیستند. پسران نسبت به دختران در شرایط نامناسب‌تری قرار دارند. در سنین کودکی و نوجوانی این دو عامل در رشد جسمانی و روانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

۲- دسته‌ای که از نظر اقتصادی در شرایط بهتری قرار دارند (متوسط):

این دسته به نسبت گروه پیش گفته، از تعداد کمتری برخوردار می‌باشند. والدین این گروه نسبت به گروه دیگر از مشاغل ثابت‌تری برخوردارند؛ مشاغلی چون کشاورزی، دامداری، کارگری ساختمان، فروشنده‌گی و دست‌فروشی و حتی مشاغل دولتی.

این گروه به لحاظ جسمانی و ذهنی در وضعیت بهتری قرار دارند و به نسبت سایرین از توانایی‌ها و مهارت‌های بیشتری بهره‌برده‌اند. از نظر سلامتی و پوشش نیز نسبت به گروه دیگر از شرایط مناسب‌تری برخوردارند.

محیط اجتماعی: افراد پس از سپری کردن چند سال نخست زندگی، به صورت‌های مختلف وارد محیط اجتماعی می‌شوند. این ورود، از محله شروع شده، به خیابان‌های پیرامون، مدرسه و ... می‌انجامد. در نخستین گامها، کودک هنگامی که به برقراری روابط با همسالان خود می‌پردازد، از فضای کوچه و محله خویش، استفاده می‌کند و بنابراین چنین فضاهایی باعث ایجاد تجربه‌های نو و گوناگونی نزد کودکان می‌شود. کودکان در گام جدی دیگری، به مدرسه وارد می‌شوند. گرد آمدن بسیاری از همسالان با طرز تفکرهای گوناگون، خانواده‌های مختلف و حتی نژادها و طایفه‌های متفاوت، سبب می‌شود که کودک بر تجربه‌های خود بیفزاید و تحت تأثیر این گروه اجتماعی بزرگ و محیط اجتماعی پیرامون آن، مراحل رشد شناختی را با سرعت و کاملتر طی کند. از یاد نبریم که شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه نیز در شکل‌دهی به محیط اجتماعی، نقشی اساسی دارد و مسلماً کودکان تأثیر زیادی از آن می‌پذیرند.

در حاشیه تاق‌تویله و در میان مخاطب مورد نظر ما می‌توان گروه‌های مختلفی را با جایگاه‌های گوناگون اجتماعی مشاهده کرد که بی‌تردید دو عامل خانواده و اقتصاد در شکل دادن به آنها کاملاً مؤثر بوده‌اند. این گروه‌ها حال از نظر محلی و مدرسه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و به صورت یک جامعه درآمده‌اند.

روشهای ما برای مخاطب سنجی:

نقاشی و کلاژ: دو ابزار از ابزارهای کمک‌آموزشی مؤثر در بروز خلاقیت‌های بچه‌ها هستند. ما با بهره‌جویی از این ابزارها، به ویژه نقاشی سعی بر آن داریم تا کودکان و نوجوانان را با موضوعات فرهنگی پیرامون خویش آشنا کنیم. نقاشی‌های مورد نظر ما به چند گونه تقسیم می‌شوند: نقاشی خلاق، نقاشی روی بوم یا موضوع مشخص که گاه بوم ما آجرهای شکسته و دور ریز بود و گاه سطح خاک (نقاشی‌های هدفمند، موضوعاتی تاریخی و یا منطبق بر پایه آزمونهای هوشبهر داشتند) و نیز نقاشی آزاد.

کارگاه ساخت ماکت: از ویژگیهای بارز سنین مورد نظر ما به وجود آمدن هماهنگی به نسبت کاملی میان ذهن، عضلات چشمان و دستان بچه‌هاست. تقویت این هماهنگی با ایجاد فضایی کارگاهی و جذاب از مهم‌ترین اهداف ما برای برقراری این کارگاه است. موضوعات مورد نظر ما از میان یادگارهای فرهنگی برجای‌مانده انتخاب می‌شوند؛ مانند نگاره‌های سنگی اشکفت‌سلمان و بنای تاق‌تویله.

از برنامه‌های پرتعدادی که در این دوره برگزار شد، می‌توان به جشنواره فرفره‌سازی اشاره کرد.

موسیقی و سرود: نقش و حجم، کودکان و نوجوانان را با فضایی تجسمی آشنا می‌کند. موسیقی آنها را به دنیای انتزاعی می‌برد. آنها را به شوق می‌آورد. یادگیری‌شان را دوچندان می‌کند و در تقویت حافظه‌شان مؤثر واقع می‌شود. خوانش آوازهای ملی و میهنی، آنها را با بخشی از حافظه تاریخی سرزمینمان آشنا می‌کند. گوش دادن و تکرار برخی از ملودیهای کودکانه و لالایی‌گونه نیز همچنین.

بازی: زمین بازی مانند جامعه کوچکی است با آداب و سنن و قانونهای مخصوص به خود. در این زمین، پایه‌های زندگی در جامعه بزرگتر پی‌ریزی می‌شود. در حین بازیها مربی می‌تواند، استعدادهای نهفته افراد را مطالعه کند و در پرورش فکری آنها بکوشد. بازیهای محلی کشورمان و بسیاری از بازیهای رایج در ایران از قابلیت‌های ممتاز گروهی بودن، تدبیری بودن و فکری بودن برخوردارند. این بازیها در تقویت جسم و